

ساواک دستگیر و تعدادی از کادر مرکزی آنها اعدام می‌شوند. سازمان پس از تجدید سازماندهی به ترور مسلحانه روی می‌آورد.

در ۱۰ شهریور بمبی در وزارت دارایی منفجر شده و یک نفر را می‌کشد. رژیم با کشتن جنگیز قبادی و اعدام برادران مفتاحی و احمدزاده گمان می‌برد که توانسته است سازمان فداییان را نابود یا ضعیف کند. در ۷ دی ماه بر اثر انفجار در خوابگاه دانشجویان دانشگاه شیراز دو نفر کشته می‌شوند و در ۲۰ دی ماه گروهی مسلح از افراد فداییان به شعبه بانک صادرات انتصاب تهران حمله کرده رییس بانک را (احمد علی نثید) به قتل می‌رسانند. شاه رخ هدایتی یکی از چریک‌هایی که در این حمله دست داشت در ۳۰ دی ماه به همراه سیروس سپهری در یک درگیری کشته می‌شود. ۲۸ دی ماه انفجار در سفارت آمریکا و انجمن ایران و آمریکا دو نفر زخمی به جای می‌گذارد. در بهمن ماه رژیم طی چندین محاکمه علنی افراد دستگیر شده را به اعدام و زندان‌های طولانی محکوم می‌کند. در ۱۰ اسفند ماه برای تأیید اقدامات و نمایش قدرت خود نظهرانی در میدان سپه به راه می‌اندازد. یک بمب در میدان و دو بمب در حوالی میدان منفجر و جوانی به نام «علی فیاضی» به قتل می‌رسد. فردای آن روز رژیم ۶ نفر از جمله رهبر سازمان فداییان خلق مسعود احمدزاده را اعدام می‌کند.

سال ۵۰ با ترور و درگیریهای مسلحانه پایان می‌یابد و در ۱۲ اردیبهشت سال ۵۱ صدای انفجار دو بمب در مجله «این هفته» و دفتر هواپیمایی انگلیس به نام «بی‌او، رای، سی» به وسیله سازمان مجاهدین منفجر می‌شود. در ۱۸ اردیبهشت «ستوان دوم جاوید» افسر شهروانی و از اعضای تیم تعقیب «کمیته مشترک ضد خرابکاری» به دست «علی اصغر منتظر حقیقی» از اعضای مجاهدین ترور می‌شود. روز بعد یک درگیری

۱۳۲ | شلیک به اصلاحات

خیابانی رخ می‌دهد و در ۲۷ اردیبهشت انفجار یک بمب در نمایشگاه ایران در خیابان پهلوی سابق یک نفر کشته به جای می‌گذارد. روز ۴ خرداد ۵۱ که ۵ تن به جوخه اعدام سپرده می‌شوند، بمبی در «میدان شاه» سابق منفجر و یکی از مأموران شهروانی به نام «جلیل ایکفا» به قتل می‌رسد. شاه بی‌اعتنا به اعتراض مردم روابط خود را با آمریکا گسترش می‌دهد و به ویژه «نیکسون» رئیس جمهور وقت آمریکا بر آن است که از ایران «ژاندارم منطقه» بسازد. ۹ خرداد ۵۱ «ریچارد نیکسون» به تهران می‌آید. شهردار تهران کلید طلائی شهر را به او تقدیم می‌کند و روز ۱۰ خرداد که تیش بزرگ روزنامه‌های کشور خبر از وعده نیکسون مبتنی بر «تقویت بنیه دفاعی ایران توسط آمریکا» می‌داد سازمان مجاهدین که دعوی اسلام و مبارزه با آمریکا را داشت، «ژنرال پرایس» یکی از افسران عالی‌رتبه آمریکایی در «اداره مستشاری نظامی آمریکا در ارتش ایران» را ترور می‌کند. بمبی در اتومبیل وی کار گذاشته شده و اتومبیل در ساعت ۷/۵ صبح منفجر می‌شود، ژنرال و راننده آمریکایی او را به قتل می‌رساند. افراد همین سازمان ۲ ساعت پیش از ترور «پرایس» بمبی در اداره اطلاعات آمریکا در خیابان صیبا شمالی و نیم ساعت پس از آن بمبی در یکی از نقاط «شهری» منفجر می‌کنند.

در سال ۵۰ رژیم برای مبارزه با موج مبارزه مسلحانه و هماهنگی بین نیروهای خود کمیته‌ای به نام «کمیته مشترک ضد خرابکاری» از ساواک، شهروانی و... تشکیل می‌دهد. اعضای این کمیته که بازجو و یا عضو تیم تعقیب و دستگیری بودند، هدف ترورهای بسیاری قرار می‌گیرند. در ۲۵ تیر ماه پلیس اعلام می‌کند که «عباس جمشیدی رودباری» قاتل «ستوان جاووشی» از اعضای کمیته در درگیری خیابانی کشته شده است. سازمان مجاهدین تنها سازمان اسلامی نبود که در آن روزگار فعال بود.

۱۳۴ | شلیک به اصلاحات

از مأموران کمیته مشترک به نام «زیدی دوست» با شلیک چند گلوله مجروح می‌شود و در اول شهریور یکی دیگر از همکاران او به نام «علی اکبر بابازاده» در خیابان ایران مهر کشته می‌شود. روز ۱۶ شهریور «مهدی رضائی» عضو سازمان مجاهدین که در یک دادگاه علنی محاکمه شده بود اعدام می‌شود.

در حالی که رژیم در فروردین ۵۳ خبر از آموزش چریک‌های ایرانی در پایگاه‌های لیبی می‌دهد احمد احمدی به جرم انفجار در استانداری سنندج و پمپ‌بازن فیض‌آباد در اردیبهشت ماه اعدام می‌شود. ۱۲ خرداد ۵۳ سازمان مجاهدین بار دیگر ترور نظامیان آمریکایی را از سر می‌گیرد و یک سرهنگ ۴۲ ساله آمریکایی به نام «لوتیس هاوکینز» را در خیابان عباس‌آباد به قتل می‌رسانند. رژیم بر می‌آشوبد، تعقیب‌ها جدی‌تر می‌شود و در ۲۵ خرداد «رضا رضائی» رهبر سازمان مجاهدین را در خیابان غیانی در یک درگیری می‌کشد. اسلحه سرتیب طاهری را نزد او می‌یابند. در خرداد ۵۳ پلیس یک گروه چریکی را که با گروه‌های چریکی ترکیه ارتباط داشت کشف و «نادر شایگان»، «شام اسبی»، «حسن رومینا» و «نادر عطائی» اعضای آن را در درگیری به قتل می‌رساند و در ۲۶ همان ماه سه ناشناس در بازار قم با اسلحه سرد به پاسانی به نام «مدنی» حمله کرده او را کشته و اسلحه او را با خود می‌برند.

هر چند رژیم بیشتر عملیات ضد چریکی خود را در «کمیته مشترک» متمرکز کرده بود اما «ساواک» خود مستقلاً به کشف و نابودی گروه‌های سیاسی می‌پرداخت. در ۱۰ مهرماه ۵۳ ساواک به یکی از موفقیت‌های بزرگ خود رسیده، دامی را که خود گسترده بود جمع می‌کند. در این روز اعلام می‌شود که توطئه قتل «فرح» زن شاه که می‌رفت به ملکه‌ای مقتدر تبدیل شود کشف شده و ۱۲ نفر از جمله «کرامت دانشیان»، «خسرو

ترور در ایران □ ۳۳

در سال ۵۱ گروه دیگری به نام «گروه ابوذر» در نهباند شکل می‌گیرد. این گروه با آتش زدن اتومبیل ژاندارمری نهباند و ترور یک «سرمایه‌دار نهبان» حرکت خود را آغاز و ۶ نفر از اعضای آن در بهمن ماه ۵۲ اعدام می‌شوند. در این میان گروه دیگری با مشی مبارزه مسلحانه به رهبری «مصطفی شعاعیان» که با متهم کردن سازمان فداییان به «گرایش‌های استالینیستی» از آن جدا شده بود، شکل می‌گیرد. این گروه در ۱۸ فروردین ۵۱ بمبی در هتل شاه عباس اصفهان منفجر می‌کند که به مرگ شخصی به نام «عبدالرسول» منجر می‌شود. ۲۴ تیر ماه پلیس اعلام می‌کند که این سازمان را که در حال طرح‌ریزی انفجار در کارخانه ذوب آهن اصفهان بوده است منهدم کرده است.

در مرداد ماه همین سال روزنامه‌ها خبر از کشته شدن فرخ سپهری و مهدی فضیلت‌کلام از اعضای سازمان فداییان می‌دهند.

در ۱۶ مرداد ماه روزنامه‌ها اعلام می‌کنند که شخصی به نام «سعید صفار» هنگام بمب‌گذاری در یکی از سینماهای تهران کشته شده است، دو روز بعد انفجاری در انجمن ایران و آمریکای شیراز، شهر را تکان می‌دهد و در ۱۹ بهمن بمبی در طبقه ششم فروشگاه کوروش تهران منفجر می‌شود. و بالاخره در ۲۲ مرداد ترور «سرتیب طاهری» جنجالی بزرگ به راه می‌اندازد. سرتیب طاهری یکی از اعضای بلندمرتبه کمیته مشترک ضد خرابکاری و کسی بود که در ۱۵ خرداد در قم و تهران جنایات بسیاری علیه مردم مرتکب شده بود. دو نفر از اعضای سازمان مجاهدین در لباس کارگر رنگ‌کار و سوار بر یک موتور سیکلت در ساعات اولیه صبح سرتیب طاهری را در تهران پارس ترور می‌کنند. در ۱۴ مهرماه پلیس اعلام می‌کند که «محمد مفیدی» یکی از ضاربین سرتیب طاهری را دستگیر و در ۲۱ دی‌ماه او و باقر عباسی را اعدام می‌کند. همان روز یکی

جهان چیت بود که در سال ۵۰ در شورش کارگران آن، تعدادی کشته شده بودند. این برای اولین بار بود که تبه تیز ترور متوجه صاحبان کارخانه‌ها شده بود.

مهم‌ترین ترور سیاسی سال ۵۳ را می‌توان ترور «سرتیب زندگی پور» رئیس کمیته مشترک ضد خرابکاری به حساب آورد. «کمیته مشترک» مهم‌ترین و فعال‌ترین سازمان رژیم در مبارزه با مخالفان خود بود و براساس الگوهای آمریکای لاتین سازماندهی شده بود. ترور «سرتیب زندگی پور» خشم بسیاری را در میان اعضای این کمیته برانگیخت و یکی از دلایل اقدام آنها به کشتن ۹ نفر از زندانیان سیاسی بود. در ۳۱ تیر ماه ۷ نفر در همدان رئیس بانک صادرات را ترور می‌کنند و در ۹ دی ماه یکی از مشهورترین سر بازرجویان کمیته مشترک ضد خرابکاری و ساواک به نام «نیک طبع» در انفجار اتومبیل به دست سازمان فداییان در میدان توپخانه به قتل می‌رسد.

سال ۵۴ نیز از نظر ترور برای رژیم سالی پر دردسر بود. در فروردین ماه آن سال «سروان نروزی» رئیس گارد دانشگاه صنعتی شریف واقعی (آریامهر سابق) که در چند اعتصاب دانشجویان را به شدت سرکوب کرده بود، به دست سازمان فداییان ترور می‌شود. بعدها رژیم اعلام می‌کند که فردی به نام محمد معصوم‌خانی از اعضای آن سازمان عامل این ترور بوده است. ترور «سرتیب زندگی پور»، «نیک طبع» و دیگر اعضای کمیته و دلایل پیچیده دیگری سبب شد که در ۴ فروردین سال ۵۴، ۷ نفر از اعضای سازمان فداییان به نامهای «بیژن جزینی»، «مشحوف کلانتری»، «محمد چویان‌زاده»، «احمد جلیل افشار»، «عزیز سردمدی» و «حسن ضیاء‌ظریفی» که سالها در زندان بسر برده و مدت محکومیت آنها رو به پایان بود و ۲ نفر از رهبران مجاهدین به نامهای «کاظم ذوالنور» و «مصطفی خوشدل» را به

۳۸ | شلیک به اصلاحات

وجود می‌آید. گروهی به رهبری «تقی شهرام» با انتشار «جزوه سبز» اعلام می‌کنند که به مارکسیسم گرویده‌اند. اینان یکی از رهبران سازمان را که با آنان از در مخالفت درآمده بود به نام «شریف واقعی» ترور کرده و او را ناجوانمردانه می‌کشند. این آخرین باری است که نام این سازمان تا پیش از انقلاب در صحنه ترور سیاسی شنیده می‌شود. اختلافات داخلی که به شیوه‌ای نادرست به جان سازمان افتاد گرفتاری هر دو جناح را سبب شد.

سال ۵۵ یک ترور مهم دیگر رخ می‌دهد و آن ترور «سرهنگ غلامرضا فراد» رئیس کلانتری قلهک به دست سازمان فداییان خلق است. در این سال پلیس با ترندی زیرکانه می‌تواند ضربات کاری بر بیکر سازمان فرود آورد. در ۲۶ اردیبهشت ۶۱ نفر و در ۲۹ آبان ۱۰ نفر از اعضای سازمان در درگیری کشته می‌شوند. در پایان همین درگیریها است که «حمید اشرف» رهبر این سازمان که از سال ۴۹ تحت تعقیب پلیس بود کشته می‌شود و از این پس سازمان فداییان نیز نمی‌تواند در صحنه فعال بماند. گرایش‌ها توده‌ای در این سازمان رشد کرده و سرانجام پس از انقلاب به دو شاخه شدن آن منجر می‌شود.

در سال ۵۶ رژیم اعلام می‌کند که گروهی در «فهدریجان» استان اصفهان با انگیزه‌های مذهبی «آیتا... شمس‌آبادی» را ترور می‌کنند. اعضای این گروه از جمله «مهدی هاشمی» دستگیر و به زندان محکوم می‌شوند. سرانجام انقلاب آغاز شده و مبارزه علیه رژیم به راهی یکسره متفاوت گام می‌گذارد. چند ترور از جمله حمله ۲ تن از سربازان گارد لویزان به فرماندهان خود، قتل یک آمریکایی در کرمان، حمله به مرکز ژاندارمری و یک کلانتری در خیابان انقلاب، ترور تیمسار بدره‌ای و بیگلری از جمله حوادثی است که باید آن را در جریان انقلاب بررسی کرد.

ترور در ایران | ۳۵

گلسرخي «... دستگیر می‌شوند. بعدها پس از یک محاکمه جنجالی که برای اولین بار مدافعات یک متهم سیاسی علیه رژیم که حاوی حمله به رژیم بود یعنی مدافعات گلسرخي از تلویزیون و رسانه‌ها تا حدودی پخش می‌شود، خسرو گلسرخي و کرامت دانشیان اعدام می‌شوند. خسرو گلسرخي محبوبیت بسیار در میان مردم می‌یابد و این گروه به نام گروه گلسرخي مشهور می‌شود. کشف این گروه یک نتیجه دیگر نیز دارد. «جناح ثابتی» در ساواک که اعتقاد به خشونت پی‌گیر و دائمی داشتند توانستند با بزرگ کردن این ماجرا بهانه‌ای به دست آورند تا روشنفکرانی را که در رسانه‌های گروهی رژیم از جمله مطبوعات رخنه کرده بودند تصفیه کنند.

در ۲۹ مهر ماه ۵۲ رژیم شاه «احمد آرامش» سیاستمدار قدیمی و کهنسال را در پارک هنگام قدم زدن با شلیک مسلسل ترور می‌کند. آرامش در سالهای پس از شهریور ۲۰ در کابینه قوام‌السلطنه رئیس سازمان برنامه و در کابینه شریف‌امامی در سال ۳۹ پست وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه را داشت. گفته شد که احمد آرامش پس از چند سال زندان به سازمان چریکهای فدایی خلق پیوسته و «سرقرار» کشته شده است اما این شایعه تأیید نشد و این ترور در ابهام ماند.

سازمان فداییان سال ۵۳ را با ترور «مهندس نوشیروان پور» در فروردین ماه آغاز کرد. نوشیروان پور یکی از اعضای این سازمان بود که در سال ۴۹ دستگیر و در سال ۵۱ با شرکت در یک مصاحبه تلویزیونی با اظهار ندامت و اعلام وفاداری به شاه آزاد شده بود. فداییان او را متهم به همکاری با رژیم کرده و «مارتیک قازاریان» از اعضای سازمان او را ترور کرد. در شهریور ماه ۵۲ «مصطفی فاتح یزدی» به دست «روحی آهنگران» از اعضای فداییان ترور می‌شود. «فاتح» سرمایه‌دار و صاحب کارخانه

ترور در ایران | ۳۷

قتل برساند. در روزنامه‌ها اعلام می‌شود که این زندانیان قصد فرار داشته‌اند، اما هیچ‌کس باور نکرده و پس از انقلاب نیز حقیقت مسأله بر همگان روشن می‌شود.

گرایش به ترور و مبارزه مسلحانه در میان اقشار گوناگون جوانان، افزایش می‌یابد. در ۳۰ اردیبهشت ماه «کاترین عدل» (دختر پرفسور عدل از نزدیکان شاه) «سرهنگ رضائی» فرمانده ژاندارمری قزوین را در غاری در «خرم‌دره» به قتل می‌رساند و شوهر او «بهمن کاشانی» (پسر سپهبد حاجت‌کاشانی از امرای مهم ارتش) که در این حمله دست داشت در تهران کشته می‌شود. سازمان مجاهدین ترور آمریکاییان را ادامه داده و در ۳۱ اردیبهشت ۵۴ دو افسر آمریکایی نیروی هوایی ارتش را ترور می‌کند. در مرداد ماه همان سال نیز سه افسر آمریکایی به نامهای «جک ترویل»، «ای، شفر» و «جونز» که در سیستم جاسوسی IBX فعالند را به قتل می‌رساند. در همین سال «حسن حسنان» مترجم سفارت آمریکا نیز ترور می‌شود.

سازمان فداییان در ادامه حملات خود «عباس شهریاری» معروف به «اسلامی» و مرد هزار چهره ساواک و حزب توده را در سال ۵۴ ترور می‌کند. عباس شهریاری در سالهای پیش از ۴۹ عضو ساواک بوده و سازمانی به نام تشکیلات تهران حزب توده را به وجود می‌آورد که وظیفه آن شناسایی افراد مخالف بود. این سازمان توانست بسیاری از گروههای مخالف را شناسایی کرده و عباس شهریاری اعتماد کامل حزب توده را جلب کرده و بسیاری از اعضای این حزب در داخل کشور و برخی از فرستادگان این حزب در داخل کشور را به دام ساواک کشیده بود.

در همین سال بار دیگر ترور درون‌سازمانی به عنوان راه حل اختلاف عقیدتی چهره خود را نشان می‌دهد. در سازمان مجاهدین دو دستگی به

بسیار در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، فلسفی و علاوه بر آنها حافظ شناس بزرگی بود نوشته او دربارهٔ حافظ که پس از شهادتش به چاپ رسید «تماشاگاه راز» نام دارد و به شناخت دقیق از حافظ کمک می‌کند.

هنوز داغ مرگ شهید مطهری برای جمهوری نوپیدا اسلامی تازه بود که ترور دیگری اتفاق افتاد.

این بار هاشمی رفسنجانی رئیس بعدی مجلس شورای اسلامی در هدف بود. گروه فرقان با هدف از میان برداشتن جمهوری اسلامی که خود در اعلامیه‌هایش آن را «حاکمیت آخوندیسم تبهکار» (نقل از مجله شاهد) می‌نامید از طریق محو فیزیکی چهره‌هایش به میدان آمده بود. اما پس از ناکام ماندن این ترور، در واقع این خود گروه بود که زوالش آغاز شد. بعد از ترور فخرجام هاشمی رفسنجانی در سوم خرداد ۵۸ گروه فرقان دست به ترورهای دیگری زد، اما کاری از پیش نبرد.

ترور مهدی عراقی و پسرش در چهارم شهریور ۵۸، ترور آیت‌الله قاضی طباطبایی در ۱۰ آبان همان سال و سرانجام ترور دکتر مفتاح در ۲۷ آذر ۵۸ آخرین ترورهای این گروه به حساب می‌آیند. پس از آن اعضای گروه که احمد گودرزی رهبری آن را به عهده داشت دستگیر، محاکمه و اعدام شدند.

دکتر مفتاح از یاران نزدیک امام و بانی اصلی راه‌پیمایی ۱۷ شهریور سال ۵۷ از قیصریه بود. هم او در بهشت‌زها، هنگامی که رهبر انقلاب پس از ورود به تهران از فرودگاه مهرآباد یکسر به آنجا رفت، در کنار ایشان بود. حاج مهدی عراقی، یکی از آخرین هدف‌های گروه از فداییان اسلام بود که در زمان حیات نواب صفوی تحت رهبری او عمل می‌کرد. عراقی در جریان ترور عبدالحسین هژیر که توسط فداییان اسلام در سال ۱۳۲۹ انجام شد با سیدحسن امامی قاتل هژیر رابطه نزدیک داشت

۱.۴۲. شلیک به اصلاحات

ایران بود. جمهوری اسلامی از یک سو با کمک مردم در جبهه‌های جنگ با عراق درگیری داشت و از سوی دیگر در جبهه داخلی با بنی‌صدر و سازمانهای گوناگون چپ و مخالف که به نظرشان دموکراسی در حال احتضار بود. روزها و داههای سال ۵۹ زمینه ساز درگیریهای سال ۶۰ بود، خود ترور مهمی را به یاد ندارد. هر چه در سال ۵۹ جدل و جدال سیاسی و فکری در سطح دانشگاه و غیر دانشگاه جریان داشت، سال ۶۰ سال خانمان براندازی بود. شاید در تمام طول تاریخ ایران، از حیث درگیریها و ترورها، سالی مشابه سال ۶۰ نمی‌توان یافت. حملات علیه حکومت، در این سال چندان هولناکتر بود که به واقع اگر حکومت از پشتیبانی مردم مسلمان برخوردار نبود، فرو می‌ریخت. نخستین ترور این سال، ترور مولوی فیض محمد حسین‌پر در بلوچستان در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ثبت شده است. اما ترورهای مهم را باید در تهران جستجو کرد: روز ششم تیر ماه به جان حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور بعدی سؤقتد شد. پیش از آن ترورها و درگیریهای خیابانی آغاز شده بود، اما نه در این سطح. مثلاً علی سازندراتی سرپرست سازمان شهرستانهای بنیاد شهید در یک کارزار خیابانی با ۲۱ ضربه چاقوی موکت بری کشته شده بود (۳۰ خرداد ۶۰) اما حمله به مقامات درجه اول پس از پاشیدگی گروه فرقان سابقه نداشت. حمله نافرجام به حجت‌الاسلام خامنه‌ای به هنگام سخنرانی و با بمبی که در ضبط صوت کار گذاشته شده بود، صورت گرفت. این بمب هر چند آسیب جدی به حجت‌الاسلام خامنه‌ای وارد آورد اما او را از افتادن در تله انفجاری ۷ تیر رها نید. اگر او در این روز آسیب نمی‌دید و بستری نمی‌شد، به احتمال قریب به یقین در انفجار ساختمان جمهوری اسلامی در خیابان امیرکبیر که روز پس از آن (۷ تیر ماه) صورت گرفت، از دست می‌رفت. خرابکاری در مقر حزب

ترور در ایران ۲۹

پس از انقلاب اسلامی

نگاهی به تقویم ده ساله گذشته ایران نشان می‌دهد که چند سال نخست پس از انقلاب از حیث ترورهای سیاسی چه دوره هولناکی بوده است.

در طول تاریخ ایران هیچ برهه‌ای تا این اندازه وحشتناک نبوده و در این سالها جمهوری نوپا حوادث خطیری را پشت سر گذاشته است.

اوج این ترورها سال ۶۰ بوده، بطوری که در تمام طول تاریخ شاید سالی مشابه سال ۶۰ نمی‌توان یافت. با وجود این هر چه از این سال دورتر می‌شویم، حوادث و ترورها نیز کمتر می‌شود به گونه‌ای که از سال ۶۴ می‌توان ترورها را خاتمه یافته تلقی کرد.

نخستین کسی که پس از استقرار جمهوری اسلامی ترور شد، سپهبد قزاقی بود. گروه فرقان ترورهای خود را با سپهبد قزاقی آغاز کرد که رئیس ستاد مشترک ارتش بود. این ترور سر و صدای بسیار برانگیخت اما نام گروه فرقان با ترور استاد مطهری بود که بر سر زبانها افتاد. ۹ روز پس از ترور قزاقی، یکی از افراد همان گروه، چهره درخشان جمهوری اسلامی و رئیس شورای انقلاب را دم در خانه‌اش با تیر زد و جامعه را که پس از انقلاب در برخوردها و جدلهای فکری غرق بود، در ترس و واهمه فرو برد. شهید مطهری از یاران امام و از دوستان آیت‌الله منتظری (۱۱ سال با وی هم حجره بود) و عضو مؤثر انقلاب به شمار می‌آمد. او از جریان ۱۵ خرداد سال ۴۲ مبارزه را آغاز کرده بود سالها زندان کشیده بود و در اوج انقلاب ایران، هنگامی که امام در پاریس به سر می‌برد، وارد پاریس شده، با حکم شورای انقلاب به تهران بازگشته بود. اهمیت و عزت مطهری نزد امام چندان بود که سرودی که در سوگ او ساخته شد غمگنانه می‌گفت «بی تو رهبر سیه جامه پوشیده».

مطهری متولد ۱۳۳۸ هجری قمری در فریمان مشهد، صاحب کتب

اما پس از اعدام نواب صفوی او به گروه هیأت مؤتلفه پیوست که مرکب بود از کمیته انتقال، کمیته پشتیبانی، کمیته تدارکات و چند گروه دیگر که با یکدیگر ائتلاف کرده بودند. همین گروه بود که به ترور منصور به دست محمد بخارائی اقدام کرد. پس از ترور منصور، اندرزگو یکی از یاران مبارز و مشهور گروه مخفی شد و تا پایان عمر مخفیانه به سر برد و سرانجام در درگیری با مأموران ساواک شهید شد. عراقی پس از واقعه ترور منصور به همراهی مرتضی نیک‌نژاد، صادق امامی، رضا صفارهرندی دستگیر و به اعدام محکوم شد، اما با یک درجه تخفیف زندانی ابد گردید. او بالاخره در سال ۱۳۵۵ از زندان رهایی یافت و بار دیگر به فعالیتهای سیاسی روی آورد و در طول انقلاب ایران نقش خود را ایفا کرد. در دوره نخست وزیری بختیار او با اشاره به اقدامات فداییان اسلام گفته بود: «ما تاکنون چهار نخست‌وزیر را اعدام کرده و اعدام پنجمین هم برای ما آسان است» و این گفته به وسیله خبرگزاریها به سراسر جهان مخایره شده بود. پس از انقلاب، شهید عراقی در مؤسسه کیهان حضور یافت و در سوم یا چهارم شهریور ۵۸ به همراه فرزندش حسام، در یک اترمیبل پیکان به گلوله بسته شد.

این پایان ماجرای گروه فرقان است، اما نه پایان تروررسم در ایران. گروه فرقان، گروه کوچک، نوپا، کم تجربه و ناتوانی بود. پس از این، گروه دیگری به ترور روی آورد که هم از تواناییهای بیشتر و هم از تجربه دراز مدتی بهره‌مند بود. چپیه که پیش از انقلاب، ترورهای بسیاری را برنامه‌ریزی کرده و به اصطلاح خود تبلیغ مسلحانه را پایه‌ریزی کرده بودند پس از انقلاب دست به ترور زدند، اما «منافقین» همه مهارتهای پیش از انقلاب و تواناییهای به دست آمده در انقلاب را بر سر این کار نهادند.

سال ۵۹ سال بحثها و درگیریهای سیاسی در کشاکش جنگ عراق و

آیت... خمینی بر سرزبانها افتاد و گروه گروه به دیدار او شتافتند. پس از عزیمت امام به پاریس، بهشتی نیز به آنجا رفت و «هسته شورای انقلاب» تشکیل شد.

این هسته اصلی مرکب بود از مطهری، دکتر بهشتی، هاشمی رسنجان، موسوی اردبیلی، محمدجواد باهنر که بعد [آیت...] خامنه‌ای و طالقانی و مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و عده‌ای دیگر بدان افزوده شدند. دکتر بهشتی پس از انقلاب اسلامی عضو مجلس خیرگان و تئوریسین جمهوری اسلامی بود و از دست دادن او به مثابه از دست دادن مهم‌ترین چهره حکومت نویناد به شمار می‌آمد. از کارهای او بسیار و از آن جمله اداره مجلس خیرگان شهرت دارد.

هنوز اجساد شهدای ۷ تیر از زیر آوار بیرون آورده نشده بود که پرویز کجوبی (رئیس زندان اوین) مورد سوءقصد قرار گرفت. این ترور هر چند شاید در نوع خود مهم بود، اما هرگز به پر سر و صدایی ترور حسن آیت نبود که حدود یک ماه پس از آن و در تاریخ ۱۴ مرداد ۶۰ صورت گرفت. دکتر حسن آیت نماینده مجلس شورای اسلامی و یکی از چهره‌های آشکار مخالف بنی صدر بود. بنی صدر بسیار کوشیده بود تا با دیدار با او بر اختلافها نقطه پایانی بگذارد و او را به منزل خود دعوت کرده بود اما او سر باز زده بود. ملاقات هر آینه در منزل دوستی مشترک انجام گرفته بود ولی اختلافها همچنان باقی بود. دکتر آیت با تاریخ معاصر آشنایی کافی داشت و به گفته دکتر جاسبی معاون نخست‌وزیر و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی به «دایرةالمعارف رجال سیاسی ایران» شهرت داشت. او در ۱۳۱۷ در نجف‌آباد در یک خانواده مذهبی زاده شده بود و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات عالی را در رشته‌های علوم اجتماعی و حقوق به پایان برده بود. پس از انقلاب نماینده مردم نجف‌آباد

جمهوری اسلامی و انفجار عظیمی که در آن رخ داد، به شهادت دکتر بهشتی منزه متفکر جمهوری و شمار بسیاری از یاران او که به ۷۲ تن شهرت یافتند، انجامید. در این انفجار جز دکتر بهشتی چند وزیر و معاون وزیر از دست رفتند که از جمله آنان می‌توان از دکتر محمود قندی وزیر پست و تلگراف، عباسپور وزیر نیرو، موسی کلانتری وزیر راه، محمدعلی فیاض بخش وزیر بهزیستی، عبدالحمید دیالمه... حسن عضدی معاون وزیر علوم و رئیس سازمان امور دانشجویان نام برد. علاوه بر این محمد منتظری فرزند آیت... منتظری و نماینده مجلس از شهرستان نجف‌آباد نیز در میان شهدای ۷ تیر بود. محمد منتظری بنیانگذار مجله شهید و برقرارکننده ارتباط با نهضت‌های آزادی بخش جهان بود. درباره او گفته شده است که سپاه پاسداران فکر او بود که به وسیله استاد مطهری یا امام در میان گذاشته شد.

دکتر بهشتی که در کانون این توطئه قرار داشت در ۱۳۰۷ در شهر اصفهان در محله لومبان متولد شد و از سال ۱۳۲۵ به قم رفت. نخست به تحصیلات حوزهای پرداخت ولی از ۱۳۲۷ تصمیم گرفت تحصیلات جدید را دنبال کند و دیپلم ادبی بگیرد. با دریافت دیپلم وارد دانشکده معقول و منقول (الهیات بعدی و امروزی) شد و پس از اخذ مدرک لیسانس در ۱۳۳۰ به عنوان دبیر زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی قم به تدریس پرداخت. در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ دوره دکترای فلسفه را در همان دانشکده گذراند و در سال ۱۳۴۳ به عنوان روحانی‌ای که ضمناً تحصیلات دانشگاهی داشت به هامبورگ رفت و مسجد آنجا را که از سوی آیت... بروجردی بنیاد شده بود، سرپرستی کرد. در سال ۱۳۴۹ به تهران بازگشت و به فعالیتهای خود ادامه داد، اما تا سال انقلاب شهرت او چندان زیاد نبود. در آن سال نام او به عنوان نماینده یا یکی از نمایندگان

سپس به نخست‌وزیری رسید و سرانجام پس از عزل بنی صدر وارد کاخ ریاست جمهوری شد و این در مرداد ۱۳۶۰ بود که دیر نپایید.

دکتر محمدجواد باهنر که همراه رجائی در انفجار نخست‌وزیری به شهادت رسید، هم سن او و متولد کرمان بود. از مهر ماه ۳۲ به قم رفت و از شاگردان امام بود (۷ سال) در سال ۳۳ دیپلم متفرقه گرفت و وارد دانشکده الهیات شد و تا دوره دکتری تحصیل کرد. بعدها به قسمت برنامه‌ریزی آموزش و پرورش راه یافت و به اتفاق دکتر بهشتی کتابهای دینی را تا آخرین سالهای دبیرستان تألیف کرد. او از اعضای شورای انقلاب بود و از جمله کسانی که مقدمات تأسیس حزب جمهوری اسلامی را فراهم کرد.

این همه حوادث هولناک گذشته بود و سال هنوز از نیمه نگذشته بود. شش روز پس از انفجار نخست‌وزیری، آیت... قدوسی دادستان کل انقلاب در یک انفجار مهیب در دفتر خود واقع در چهارراه قصر شهید شد (۱۴ شهریور ۶۰). او داماد علامه سیدمحمدحسین طباطبائی صاحب تفسیر المیزان و از شاگردان او بود. درست شش روز بعد، یعنی در بیستم شهریور ماه همان سال آیت... مدنی امام جمعه و نماینده امام در تبریز با نارنجک ترور و شهید محراب شد. علاوه بر او سه تن دیگر به شهیدان محراب معروف شده‌اند که در جای خود به آنان خواهیم پرداخت. آیت... مدنی در آذر شهر متولد شده و در نجف اشرف تحصیلات خود را به پایان برده بود. او در سال ۵۰ به امر امام جهت تدریس علوم دینی به خرم‌آباد رفت و حوزه علمیه کمالیه را تأسیس کرد. بعد بر اثر فعالیتها به نورآباد ممسنی، گنبد کاووس، بندر کنگان و مهاباد تبعید شد و در اوج انقلاب به‌قیمت بازگشت. پس از انقلاب از همدان به مجلس خیرگان رفت و پس از شهادت آیت... قاضی طباطبائی به سمت امام جمعه تبریز منصوب شد.

و مجلس خیرگان بود و سپس به نمایندگی از تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. دکتر جاسبی دوست نزدیک او درباره او گفته است که «بیشترین زمینه را برای شناخت بنی صدر، آیت فراهم کرد». بنی صدر اول تیر ماه ۶۰ زل شد و پس از مدتی رجایی که در آن زمان نخست‌وزیر بود، به کاخ ریاست جمهوری راه یافت و محمدجواد باهنر یار دیرین بهشتی و عضو شورای انقلاب در مقام نخست‌وزیری قرار گرفت، اما هر دو به اتفاق سرهنگ وحید دستگردی رییس شهربانی جمهوری اسلامی در واقعه انفجار نخست‌وزیری در تاریخ ۸ شهریور ۶۰ شهید شدند و این آخرین ضربه هولناکی بود که جمهوری اسلامی به خود دید. ضربه‌ای که در آن رئیس جمهوری و نخست‌وزیر کشور با هم از دست رفتند.

محمدعلی رجائی در ۱۳۱۲ در فزوین زاده شد. جوانی را در فقر و فاقه گذراند. خودش تعریف کرده است که به اتفاق دوستی «به جنوب شهر می‌رفتیم و جنسی هم که برای فروش داشتیم، از این قابلمه‌ها و پادیه‌های آلومینیومی که ارزان قیمت بود می‌خریدیم و در اطراف تهران، بخصوص به کارگران کوره‌پزخانه می‌فروختیم» (شاهد شماره ۹) با مدرک ششم ابتدایی وارد نیروی هوایی شد و پس از مدتی شروع به همکاری با فداییان اسلام کرد. با آقای طالقانی آشنا شد و از محضر ایشان سود برد. بعدها در دانشسرای عالی قبول و در سال ۳۸ فارغ‌التحصیل شد. وقتی مهندس بازرگان نهضت آزادی را تشکیل داد بدان پیوست. خود گفته است: «ما جزو نفرات اولی بودیم که در نهضت آزادی ثبت نام کردیم». از سال ۴۶ به اتفاق آقای فارسی و باهنر بقایای هیأت مؤتلفه را اداره می‌کرد و به اتفاق هاشمی‌رفسنجانی و دیگران مدرسه رفاه را بنیاد گذاشت. بعدها به زندان افتاد و در آنجا ۵۷ از زندان آزاد شد. پس از انقلاب وارد مجلس شورای اسلامی شد و از آنجا به وزارت آموزش و پرورش رفت.

۴۸ □ شلیک به اصلاحات

آنکه روشن شود درگیری تا چه اندازه سراسری بوده به چند مورد اشاره می‌شود: ترور حجت‌الاسلام بخر دیان سرپرست بنیاد شهید بهبهان در ۱۲ مرداد ۶۰. عبدالحسین مبشر سرپرست بنیاد شهید خرم آباد ۶ مهرماه ۶۰. مجتبی استنکی نماینده مجلس شورای اسلامی در اول دی ماه ۶۰ در شهر کرد و محمدتقی بشارتی نماینده مجلس در ۱۷ دی ماه ۶۰ در سمیرم.

پس از سپری شدن ماه بهمن در سوم اسفند همان سال بمبی در میدان سپاه تهران منفجر شد که شهر را به لرزه درآورد و ۱۰ تن از عابران از جمله یک کودک ده ساله مسیحی را به خاک و خون غلتاند. شدت انفجار به حدی بود که بسیاری از خانه‌ها و مغازه‌های اطراف آسیب دید و قسمتی از دیوار یادگان فرو ریخت. (این انفجار تا آنجا که به خاطر می‌آید به عوامل عراق نسبت داده شد.)

پس از سال ۶۰ «متنفقین» نیز پراکنده شدند. اعضای گروه‌های دیگر نیز که هر چند در ترورها دخالتی نداشتند، اما بر اثر اقدامات دیگر از جمله در کردستان، دستگیر و زندانی شدند و به این ترتیب از سال ۶۱ تعداد ترورها فروکش کرد. در این سال فقط دو مورد ترور مهم ثبت شده است: ترور آیت... صدوقی در ۱۱ تیرماه و آیت... اشرفی اصفهانی در ۲۳ مهرماه. شهیدان محراب.

سال بعد، ۱۳۶۲ تنها ترور مهم ثبت شده در تاریخ، ترور تیمسار اویسی فرمانده نیروی زمینی شاه در پاریس است. در سال ۶۳ ترور مهم ثبت نشده اما در سال ۶۴ یک ترور فاجعه‌آمیز صورت گرفته است: ترور محتشمی وزیر کشور کنونی و سفیر آن زمان ایران در سوریه در تاریخ ۲۴ بهمن آن سال.

پس از این تا دوم آذرماه ۱۳۶۷ که کاظم سامی وزیر بهداشتی دولت موقت در مطبخ کشته شد هیچ ترور دیگری اتفاق نیفتاد. مسئولیت ترور

۱۱۵۰ □ شلیک به اصلاحات

خیابان پاسداران به طرز فجیعی کشته شدند.

۳. سعیدی سیرجانی در ۲۳ اسفند ۷۲ از طرف وزارت اطلاعات دستگیر شد. در ششم آذرماه ۷۳ سعید امامی در زندان با تزریق شیاف پتاسیم او را به قتل رساند. آن گاه - به نوشته یکی از فعالان کانون نویسندگان - چند نفر از ما را احضار کردند و گفتند: ما نمی‌خواستیم! ایشان خودشان مردند. حالا هم ختم نگیرید، مجلس یادبود نگذارید، صدای‌تان هم بلند نشود. گلشیری در این باره نوشته است: «و بعد همان‌طور که سرکوهی به ما گفته بود، آمدند سرقضیه سیرجانی که شما حق ندارید راجع به سیرجانی حرف بزنید. گفتیم ما می‌دانستیم که فوت کرده. گفتند از کجا می‌دانستید؟ گفتیم خوب معلوم است وقتی می‌گویند در بیمارستان است یعنی فوت کرده، هزاران بار همین جور اعلام شده. گفت حق ندارید هیچ چیز راجع به سیرجانی بنویسید. گفتیم بالاخره فوت کرده، یک اعلامیه‌ای، یک چیزی. گفت حق ندارید هیچ چیزی را امضاء کنید.»^۱

۴. مهندس حسین برانزنده در تاریخ ۱۴/۱۰/۷۳ از منزل به قصد شرکت در یک جلسه قرآن هفتگی خارج می‌شود و در ساعت ۱۱ شب پس از پایان جلسه محل را به قصد منزل خود ترک می‌کند و صبح روز بعد جنازه او در کنار اتومبیل‌اش در حوالی خیابان فلسطین پیدا می‌شود، در حالی که در دستش آثار دستبند و در پشت و پهلو او آثار ضربه مشهود بوده است و پزشکی قانونی علت فوت را فشار بر ناحیه گردن و انسداد مجاری تنفسی اعلام کرده است.

۵. ملا محمد زبیدی (ماموستا زبیدی) امام جمعه اهل سنت کرمانشاه با تزریق و ایست قلبی به قتل رسیده و جسد او را در خیابان رها کرده‌اند.

۶. ماموستا فاروق فرساد اهل سقز از شاگردان احمد مفتی‌زاده در

۱۸ روز پس از این انفجار در غرب، نارنجک دیگری در شرق ایران، در مشهد حجت‌الاسلام سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد را به شهادت رساند. سخنرانیهایی او معروف است. نماینده مجلس خیرگان و دبیر حزب جمهوری اسلامی استان خراسان بود، اما شهرتش بیشتر به کتابهایی است که نوشته است. مناظره دکتر و پیر او پیش از انقلاب در بین عده کثیری نفوذ داشت و مورد علاقه بود. پاسخ به مشکلات جوانان - راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری - درسهایی از قرآن و درسی که حسین به انسانها آموخت از دیگر آثار او بشمار می‌آیند.

در تاریخ ترور شهید هاشمی‌نژاد اتفاق دیگری افتاد که هر چند در تاریخ تروریسم جایی ندارد ولی اشاره بدان اوضاع آن روزها را نمایان خواهد ساخت: سقوط هواپیمای حامل گروهی از جمله چهار تن از سرداران سپاه و ارتش در کهریزک هنگام بازگشت از اهواز. در این سقوط تیمسار فلاحی رئیس ستاد مشترک، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، سرهنگ فکور فرمانده نیروی هوایی و یوسف کلاهدوز قائم مقام سپاه پاسداران از جمله شهیدان بودند.

پس از آیت... مدنی، نخستین کسی که از بین ائمه جمعه به شهادت رسید، آیت... دستغیب بود که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۶۰ هنگامی که به قصد اقامه نماز جمعه همراه پاسداران و دوستان خویش منزل را ترک گفته بود، بر اثر انفجار بمبی بسیار قوی در بین راه کشته شد. آیت... دستغیب در شیراز متولد شد. و او نیز همچون آیت... مدنی تحصیلات خود را در نجف گذرانیده بود و نماینده امام و امام جمعه شیراز بود.

در کنار این ترورهای مهم، البته ترورهای دیگری در سطح شهرها و... انجام می‌گرفت که هیچکدام آنها نادیده‌گرفته نیست، اما دسترسی به همه آن موارد به تحقیق و جستجویی درازمدت نیازمند است. تنها برای

۲۹ □ تور در ایران

سامی را هیچ‌کس به عهده نگرفت و کمی بعد اعلام شد که قاتل سامی در گرمابه‌ای عمومی در اهواز دست به انتحار زده است. و به این ترتیب پرونده مرگ کاظم سامی بسته شد. به نظر می‌رسید که فعالان سیاسی داخل کشور به این نتیجه رسیده‌اند که با حربه ترور و خشونت نمی‌توانند راه به جایی ببرند و آن بخش از گروه‌های سیاسی هم که همچنان خواستار ادامه مشی ترور بودند در داخل کشور امکانات لازم را نداشتند. اما قتل کاظم سامی یک پرستش را هم در اذهان تداعی کرد؛ آیا این شروع نوع دیگری از ترور در ایران بود؟

تا سال ۶۹ ترور یا مرگ مشکوکی در داخل کشور اتفاق نمی‌افتد اما در خارج از کشور شاپور بختیار، عزالدین قاسملو، شرفکندی و فریدون فرخ‌زاد به قتل می‌رسند.

از سال ۶۹ تا ۷۶ مرگ‌های مشکوکی اتفاق افتاده است که پس از دستگیری محفل خودسر اطلاعاتی در سال ۷۷ برخی صاحب‌نظران این مرگ‌های مشکوک را هم به همان محفل نسبت داده‌اند. لیست خاصی از سوی منابع رسمی در این باره انتشار نیافته است اما ناصر زرافشان وکیل مقتولین قتل‌های زنجیره‌ای فهرستی از مرگ‌های مشکوک^۱ ارائه کرده است که در زیر نقل می‌کنیم:

۱. سید خسرو بشارتی از متفکرین مذهبی را که در زمینه بعضی از اعتقادات شیعه، مانند زیارت و شفاعت، نظرات انتقادی داشته است، در پاییز ۶۹ برای ادای توضیح احضار می‌کنند و بعد جسد او در جاده کن در حالی که گلوله به مغز او شلیک شده بود کشف می‌شود.

۲. دکتر تفتی و همسر و دو فرزندش در سال ۷۲ در خانه‌شان واقع در

۱. هفته‌نامه آبان، شماره ۱۱۸. «آخرین اطلاعات درباره قتل‌های مشکوک دوران سعید امامی»، ناصر زرافشان

۱۳. در سال ۷۴ در اصفهان دو کشیش مسیحی به آسامی کشیش دیباچ و کشیش میکائیلیان ربوده شده و بعد اجساد قطعه قطعه شده آنها در یک فریزر کشف شد.
۱۴. در سال ۷۴ دکتر عبدالعزیز بجد استاد دانشگاه زاهدان پس از یک سخنرانی انتقادی درباره سربازان امام علی ربوده شد و سپس جسد او در بیابان‌های زاهدان و اتموبیل او در کنار اداره اطلاعات استان پیدا شد.
۱۵. در تاریخ ۷۵/۵/۱۷ راننده اتوبوس حامل ۲۱ نفر از نویسندگان که عازم ارمنستان بود کوشید اتوبوس را به طرف دره پرتاب و خود، صحنه را ترک کند که هوشیاری بعضی از سرنشینان و بی‌دقتی راننده مانع اجرای نقشه شد. راننده آن اتوبوس در حال حاضر جزو متهمین پرونده قتل‌ها و زندانی است.
۱۶. در شهریورماه ۷۵ جواد صفار در مشهد، پس از خروج از منزل به قصد محل کار، مفقود می‌شود. جواد صفار قبلاً سابقه فعالیت سیاسی داشته، مدتی را نیز به زندان سپری کرده و بعداً آزاد شده بود.
۱۷. جلال مبین‌زاده در مهرماه ۷۵ به وسیله سرنشینان اتومبیلی از محل کار خود ربوده می‌شود و تاکنون از او خبری در دست نیست.
۱۸. زهرا افتخاری در آذرماه ۷۵ پس از خروج از محل کار خود، به شهادت کسبه محل، به وسیله سرنشینان اتومبیلی با زور و ارباب ربوده می‌شود و از آن پس تاکنون از او خبری بدست نیامده است.
۱۹. مرتضی علیان نجف‌آبادی صبح روز جمعه ۷۵/۱۰/۲۸ حوالی ساعت ۹ صبح هنگامی که از خانه با اتومبیل خود به قصد محل کارش (باغی که در آن به پرورش گل مشغول بود) به راه می‌افتد مفقود می‌شود. بستگان او محل نگهداری اتومبیل‌اش را هم بعداً پیدا می‌کنند. ولی از دوندگی‌های خود نتیجه‌ای نمی‌گیرند.
۲۰. امیر غفوری در روز دوم بهمن‌ماه ۷۵ هنگامی که از محل کارش

۵۲ □ شلیک به اصلاحات

- صانعی در یک مؤسسه تحقیقات تاریخی کار می‌کرد و پیش از مرگ، وزارت اطلاعات در چند نوبت او را احضار و از او تحقیق کرده بود.
۲۶. مرگ مشکوک دکتر غفار حسینی استاد دانشگاه و از فعالین کانون نویسندگان در بیستم آبان ۷۵. گویا غفار حسینی در ماجرای اتوبوس در جلسه‌ای هشدار داده بود که «همه تان را می‌اندازند دره»^۱. فرج سرکوهی در نامه‌ای به پیام امروز^۲ نوشته است: «زمانی که در زندان مردم غفار حسینی را کشتند تا شعر نگویند و در جلسات کانون حضور نیابد. خبر را آقای هاشمی [در یک جلسه با جویبی] به من داد و گفت غفار را هم حذف کردیم [...] شبی را به یاد آوردم که غفار در جلسه مشورتی گزارش داد که او را در یکی از هتل‌های تهران، تحت فشار قرار داده‌اند و تهدید به مرگ کرده‌اند».
۲۷. ابراهیم زان‌زاده مدیر مؤسسه نشر ابتکار در ۷۵/۱۲/۵ ناپدید شد و در اوایل فروردین ۷۶ جسد او را در بیابان‌های یافت آباد پیدا کردند.
۲۸. عباس نوایی در یکی از روزهای ماه رمضان سال ۷۶ ناپدید شد. او در اواسط سال ۶۶ از زندان آزاد شده بود و دیگر فعالیتی نداشت، اما تحت نظر بود و می‌بایست هر ماه خود را معرفی می‌کرد.
۲۹. در سحرگاه ۳۱ شهریور ۷۷ حمید حاجی‌زاده شاعر و نویسنده آزاده کرمان را به همراه کودک ۹ ساله‌اش کارون، که در آغوش پدر خفته بود، در حریم امن آنان یعنی در خانه‌شان قطعه قطعه کردند و به این ترتیب پدر و پسری را که فردای آن روز باید یکی برای تدریس و یکی برای تحصیل به مدرسه بروند، به زیر خروارها خاک سیاه فرستادند.
۳۰. پیروز دوانی از فعالین سیاسی و فرهنگی در تاریخ ۷۷/۶/۳

۱. ماهنامه پیام امروز، شماره ۳۳.

۲. هفته نامه پیام امروز، شماره ۳۴.

سال ۷۴ در تبعیدگاه خود به روش تزییقی به قتل رسید.

۷. شیخ محمد ضیائی امام جمعه اهل سنت بندرعباس به روش تزییقی به قتل می‌رسد.
۸. دکتر احمد میرین صیاد اندیشمند و استاد دانشگاه پس از بازگشت از سفر دومی در فرودگاه بندرعباس دستگیر و چند روز بعد جسد وی در فلکه میناب بندرعباس کشف می‌شود.
۹. کاظمی استاد دانشگاه و از متفکرین اهل تسنن در سال ۷۴ به قتل می‌رسد.
۱۰. احمد میرعلائی نویسنده و مترجم در ۷۴/۸/۲ در اصفهان به قتل می‌رسد. او ساعت ۷/۴۵ صبح از خانه بیرون می‌آید. ساعت ۸ صبح در کتابفروشی‌اش با کسی قرار داشته است که هرگز به این قرار نمی‌رسد. همان روز در ساعت ۲ بعدازظهر در دانشکده پزشکی اصفهان سخنرانی داشته که کسانی خبر می‌دهند این سخنرانی لغو شده است و هرگز معلوم نشد چه کسانی این اطلاع را داده‌اند. ساعت ۱۱ شب از طرف نیروی انتظامی به خانواده او خبر می‌دهند که جسد او کشف شده است. علت مرگ ایست قلبی در نتیجه تزریق الکل بود. الکل را از ناحیه دست به او تزریق کرده بودند و در کنار جسد او نیز دو بطر مشروب گذارده بودند.
۱۱. فخرالسادات برفعی در اسفند ۷۴ در قم در خانه مسکونی‌اش با طناب و با سیم به قتل می‌رسد. قاتل یا قاتلین پس از قتل، شیرهای گاز شهری خانه را باز کرده بودند تا آتش‌سوزی ایجاد شود و با امحاء جرم و به آتش کشیدن جسد و خانه، رد جنایت را پاک کنند.
۱۲. مولوی عبدالملک ملازاده و مولوی جمشید زهی از روحانیون اهل تسنن بلوچستان در سال ۷۴ و در جریان انتخابات مجلس پنجم در کراچی پاکستان ترور می‌شوند قبل از رفتن به پاکستان مولوی عبدالملک در ایران زندانی بوده است.

تورور در ایران: ۵۳

- در یکی از شرکت‌های کامپیوتری مشهد به قصد سرکشی به یکی از کارخانه‌های تحت پوشش خود خارج می‌شود، در فاصله بین آسانسور و در خروجی شرکت ناپدید می‌شود و تاکنون از او خبری بدست نیامده است.
۲۱. سید محمود میلانی (شوهر خواهر امیر غفوری) در روز ۲۳ فروردین ۷۶ در مشهد هنگام عزیمت از محل کار خود به منزل به وسیله سرنشینان اتومبیلی ربوده می‌شود. نگهبان ساختمان می‌گوید ماشین با سه سرنشین جنوبی پای او توقف کرد و بلافاصله دو نفر پیاده شده و با ضرب و شتم او را سوار و سریعاً حرکت کردند.
۲۲. مجید رنجبر تنها قربانی این آدم‌ربائی‌ها در مشهد است که با مقاومت خود و کمک اهالی خیابان سعدی مشهد از دست آدم‌ربایان گریخته و مشخصات این قاتلان و حتی مشخصات اتومبیل آنها را هم دارد هفت نفر اخیر سابقه فعالیت سیاسی و زندان نیز داشته‌اند و پس از تحمل محکومیت قانونی و آزادی مجدداً ربوده شده‌اند و از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.
۲۳. فرج سرکوهی در سیزدهم آبان ماه ۷۵ ربوده شد. قرار بود جسد او را در آلمان رها کنند اما پیش از قتل با نامه‌ای که به آلمان فرستاد ماجرا بر ملا شد و جان بدر برد.
۲۴. دکتر احمد تفضلی در روز ۲۴ دی ماه ۷۵ هنگامی که با اتومبیل خود از دانشگاه به خانه‌اش می‌رفت. حدود ساعت ۲ بعدازظهر نزدیک خانه‌اش در شمیران ناپدید شد و حدود ساعت ۹ شب مأمورین گشت پاسگاه انتظامی باغ فیض جسد او را در کنار اتومبیل‌اش پیدا کردند، در حالی که یک پای او از چند جا شکسته بود اما علت مرگ اصابت ضربه دایلم به سرش بود.
۲۵. منوچهر صانعی و همسرش (فیروز کلاتری) نیز در همین روزها (۷۵/۱۱/۲۸)، مفقود شدند و سپس جنازه آنها کشف شد.

مهم‌ترین و آخرین ترور در سال ۷۸ اما ترور سعید حجاریان مشاور سیاسی رییس جمهور، نایب رئیس شورای اسلامی شهر تهران و مدیر مسئول روزنامه صبح امروز است. پس از این ترور موجی از محکومیت خشونت، کشور را فراگرفت. رهبر انقلاب طی سخنانی این ترور را محکوم و اعلام کرد «مهم‌ترین مطالبه من از دستگاه‌های ذی‌ربط جلوگیری از ناامنی است»^۱ محمد خاتمی نیز در نامه‌ای به وزیر اطلاعات نوشت: «ملت بزرگوار ایران که صاحب انقلاب و کشور و ازبای دولتمند، فتنه‌ها و توطئه‌های ریشه‌دار در بیرون را آزموده‌اند و در خنثی کردن آن شایستگی خود را نشان داده‌اند ولی در این موقعیت حساس که جامعه با امید و نشاط بیشتر و با پشتوانه اراده و حضور شورانگیز مردم در صحنه به سوی آینده‌ای درخشان‌تر در حرکت است نباید ذره‌ای از فتنه خطرناکی که ریشه در درون دارد (و خیلی ساده در اختیار فتنه‌گران بیرونی قرار می‌گیرد) غافل ماند، فتنه‌ای که اگر خدای ناخواسته پا بگیرد همچون موربانه به جان قوام کشور، انسجام ملت و استواری دولت خواهد افتاد و راه را بر آزادی، آبادانی و حاکمیت قانون خواهد بست و چه بسا این فتنه چهره زشت خود را در جامه زیبای دینداری و ارزش‌مداری بپوشاند و همین امر، خطر را مضاعف می‌کند...»^۲

خیلی‌ها حجاریان را مغز متفکر اصلاحات دانستند و ترور او را به مخالفان اصلاحات نسبت دادند. وزارت اطلاعات طی اطلاعیه‌ای ضارب حجاریان را فردی به نام سعید عسگر معرفی کرد که با همراهی چند تن دیگر این اقدام تروریستی را به انجام رسانده‌اند.

ترور در ایران ا.ا. ۵۵

هنگامی که از منزل خود به قصد رفتن به خانه خواهرش خارج شده مفقود گردید و تاکنون اثری از او به دست نیامده است. دوانی نامه فرج سرکوهی (در فاصله دو زندان) را در داخل کشور تکثیر و پخش کرده بود. ۳۱ دکتر مجید شریف در روز ۲۸ آبان با لباس گرمکن برای ورزش از خانه خارج شد و دیگر هرگز برنگشت. خانواده‌اش روز چهارشنبه چهار آذر ۷۷ جسد او را در پزشکی قانونی شناسایی کردند.

سال ۷۷ سال بازگشت خشونت است. انفجار در دادگاه انقلاب (۷۷/۳/۱۳)، ترور اسدالله لاجوردی رئیس سابق زندان‌های کشور توسط منافقین (۷۷/۶/۱)، سوءقصد به محسن رفیق دوست ریاست وقت بنیاد مستضعفان (۷۷/۶/۲)، قتل پروانه و داریوش فروهر وزیر کار دولت موقت (۷۷/۹/۲۱)، محمد مختاری شاعر، محقق، مترجم و از اعضای فعال کانون نویسندگان (۷۷/۹/۱۲) و محمد جمفر پوینده جامعه‌شناس و مترجم (۷۷/۹/۱۸) توسط محفل اطلاعاتی که به قتل‌های زنجیره‌ای شهرت یافت، ترور نافرجام علی رازی رئیس وقت دادگستری تهران توسط گروه موسوم به مهدویت (۷۷/۱۰/۱۶) وزارت اطلاعات اعضای این گروه را به همراه حجت‌الاسلام میلانی که احکام شرعی را صادر می‌کرد، دستگیر کرد. نمودهایی از ترور و خشونت است که در این سال اتفاق افتاده است.

سال هفتاد و هشت با ترور سیهید صیادشیرازی جانشین ستاد کل نیروهای مسلح توسط منافقین (۷۸/۱/۲۲) آغاز شد. کمی بعد بمبی در اطراف حرم مطهر امام رضا (ع) منفجر و دو نفر را به شهادت رساند. انفجار این بمب به بازمانده‌های باند سعید امامی نسبت داده شد. همچنین در طول این سال چند بار با خمپاره به اطراف وزارت اطلاعات، نهاد ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و قرارگاه تارالله در تهران حملاتی صورت گرفت.

۱. روزنامه بامداد، شماره ۱۶۴، ۷۹/۱/۷.

۲. روزنامه بیان، شماره ۸۶، ۷۹/۱/۸.